

گزارش «وطن امروز» از نشست حکمرانی اجتماعی شهیدرئیس‌ی در دانشگاه تهران

از گفتمان تا حکمرانی

نوشتر پیش رو متن تلخیص شده «وطن امروز» از سخنرانی چندتن از اساتید علوم اجتماعی در نشست حکمرانی اجتماعی شهیدرئیس‌ی است که در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران ایراد شده است.

شهید رئیس‌ی و هویت امت اسلامی

حال عرض بنده این است که جامعه انسجامش بر مدار امت است. ما یک امت اسلام داریم که می‌شود ملت. یک امت مسلمان داریم. امت مسلمان واقعیت عینی کف صحنه است که در میان مسلمانان حتماً از ملت و از آن ایده الهی هم اثری هست اما شدتش چقدر است؟ چه مقدارش وجود دارد؟ چه مقدار دور است؟ چه مقدار گرفتار تحریف است؟ اینها بحث‌هایی است که وجود دارد.

لذا فاصله بین امت و ملت، مسیر مدیریت و برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری است. شما نمی‌توانید ملت ابراهیم داشته باشید اما امت ابراهیم وجود نداشته باشد. وقتی که قصد در متن مردم و در جامعه حضور داشته باشد، این ملت عینیت می‌یابد و الا هرگاه نبی آمد، تکذیبش کردند و او را کشتند. ما به لحاظ تاریخی بسیاری از مقاطع ملت نداریم اما امت داریم.

حاکمیت این است که در متن وضعیت موجود زندگی کنیم و نظر به حضور جامعه و موقعیت جامعه داشته باشیم. حالا ظرفیت موجود را به سوی مقصدی که دارید شناسایی و عمل کنید. خیلی وقت‌ها به ملت وجود دارد که اصلاً به شما فرصت بروز و ظهور نمی‌دهند اما شما هویت ملت بودن را دارید.

از سویی خیلی وقت‌ها این ملت عینیت تاریخی هم پیدا کرده و آنجا شما قدرت را هم تحت عنوان حمایت از یک ملتی به دست آورده‌اید اما باز هم همواره بین وضعیت موجود با امید باید باشد، فاصله وجود دارد.

آنچه من می‌خواهم بگویم این است که هویت ملت برای شهید رئیس‌ی مهم بود. کسی در نظام جمهوری اسلامی بر اساس قانون اساسی و وضعیت موجود جامعه ایرانی، نمی‌تواند خیلی خارج از این مساله برود، چون هم چارچوب قواعد و هم فرهنگ عمومی این را طلب می‌کند اما اینکه چه مقدار خودآگاه باشد یا جامعه بر او الزام کند یا قوانین بر او الزام کند یا خودش پیشگام این مساله باشد، این مهم است. این را ما در شهید رئیس‌ی می‌توانیم ببینیم.

عنوان ملت یک هویت است. ممکن است یک امت اصلا مرزهایش مرزهای نژادی باشد. این ظرفیت توسعه ندارد یا آرمان‌هایش به گونه‌ای باشد که فقط در یک جغرافیای خاص بتواند باشد، لذا نمی‌تواند بیشتر توسعه پیدا کند اما ملت ابراهیم ناظر به «فطرت‌الله التي فطر الناس علیها» است. این به فطرت و حیات انسانی پیوند خورده و جهانی است. جهانی بودن مخاطب آن و رویکرد آن است و یک سوی قضیه است. خود مسلمانان در کانون این ملت و ادیان مختلف باز حلقه بعدی آن هستند. شهید رئیس‌ی وقتی که در سازمان ملل می‌رود، با چغیهای که به گردن دارد، هویت امت اسلامی را کاملاً برجسته می‌کند. یعنی هویت این ملت برایش مهم است. وقتی که قرآن را به دست می‌گیرد، هویت ملت و پیام جهانی‌اش با حتی پیامش به امت اسلام، برایش مهم است. از مسلمان بودن و شعارهای مربوط به ملت اسلام شرمند نبود. از ظرفیتی که ملت اسلام با جمعیت انبوه خودش دارد و ظرفیتی که کشورهای اسلامی دارند، برای حرکت اجتماعی خودش در درون جامعه ایران نیز استفاده می‌برد.

در واقع سعی می‌کرد اقتدار خودش را در سطح جهانی از این قدرت نهفته و ریشه‌دار تاریخی احیا کند و این را به عنوان یک تاکتیک در نظر نمی‌گرفت، بلکه به آن به عنوان سمت و سوی اصلی حکمرانی اسلامی توجه داشت. این چیزی است که برجسته است. یعنی شما در دوره‌های مختلف ریاست جمهوری، کسانی که در رأس قوه مجریه هستند، ناگزیر بر این چارچوب حرکت می‌کنند اما برجستگی این مساله و تداوم این در دوران ریاست جمهوری شهید رئیس‌ی به نظرم خیلی شاخص است و قابل مقایسه با دوره‌های دیگر نیست.

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

آنچه درباره حکمرانی شهید رئیس‌ی مورد نظر من است، حرکت ایشان بین امت و ملت است. این دو مفهوم را بررسی می‌کنم و بعد شواهد آن را ذکر می‌کنم.

کلمه «امت» یک مفهوم قرآنی است که بیشتر ناظر به هویت انسجام اجتماعی است. امت، آن مجموعه از افراد است که یک قصد مشترکی، یک آهنگ مشترک، اینها را جمع کرده؛ یا می‌خواهند زندگی کنند یا می‌خواهند به قدرت برسند یا می‌خواهند به لذت برسند. یک امر مشترکی، یک غرض و غایتی موجب شده اینها در عمل در ارتباط با آن غرض و مقصد با هم زیست داشته باشند. اگر آن غرض را بردارید، دیگر شما امت ندارید. از سویی وقتی به این غرض جمع می‌شوند، نظامی متناسب با آن غرض، خود به خود از دل آن غرض می‌جوشد. آن مجموعه، نیازها و ضرورت‌های متناسب با آن را کشف می‌کنند، عمل می‌کنند و پیش می‌روند و این، قدرت، اقتدار، زعامت و سیاست مربوط به خودش را می‌طلبند. هر جمعی بخواهد با هم همکاری کند، بدون اینکه در دل آن یک ارتباطات اقتصادی و فرهنگی و سیاسی وجود داشته باشد، ممکن نیست. چند نفر که با هم کار می‌کنند، قاعدتاً با یک نظمی و یک نظامی باید کار کنند.

تعبیر مفهوم امت در آیات قرآن اینگونه است. اگر نگاهی به این کلمه «امت» کنید، برخی از این کاربردها را می‌توانید ببینید. مثلاً در سوره اعراف آیه ۲۴ آمده است: «فَإِذْ قَالَ آمَةُ أَجَلٌ» هر امتی یک عمری متناسب با خودش دارد. برخی انسجام‌ها می‌تواند طولانی‌تر باشد و برخی ممکن است به اقتضای آن غرض و غایتی که دارند با چالش‌هایی مواجه شود.

آیه ۱۶۴ سوره اعراف می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَ آمَةُ مُنْهُمْ لِمَ تَعْطُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُلْكُهُمْ أَوْ مَعَزْيُهُمْ غَدًا شَيْدًا قَالُوا فَلَا مَوْلَىٰ لَهُمْ رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ» اینجا هم یک جمعی را دارد خطاب می‌کند و عام است.

آیه ۴۴ سوره مؤمنون می‌فرماید: «ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرَىٰ كُلَّ مَا جَاءَهُمْ رَسُولُهُمْ كَذَّبُوهُ» هر زمان برای امتی پیامبرش می‌آمد، او را تکذیب می‌کردند. یعنی امت لازم نیست در مسیر هدایت باشد و ممکن است متخلف نبی خود هم باشد. سوره جاثیه آیه ۲۸ می‌فرماید: «تَوْرَىٰ كُلُّ أُمَّةٍ جَاثِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ لِّغَىٰ لِّكِبَالِهَا» امت‌ها با هم محشور می‌شوند. یعنی امت تنها در این دنیا نیست و در قیامت هم ایشان با هویت امتی خود محشور می‌شوند.

اینها نشان‌دهنده این است که مفهوم امت در قرآن بشدت بر انسجام اجتماعی و هدف مشترک تأکید دارد و حکمرانی شهید رئیس‌ی نیز در این راستا قایل تحلیل و بررسی است. اصلاً جامعه یعنی امت اما ملت هم مفهومی است که به کار رفته و یک امت خاصی است که قصد خاصی درون آن وجود داشته باشد. ملت از «هلا» گرفته شده، اگر قصد و غرض الهی باشد و با امادی الهی شکل بگیرد، این امت اسمش ملت است و الا امت است و ملت نیست.

لذا ملت را همواره با نام آن کسی که واسطه ابلاغ الهی است، می‌شناسیم. ملت ابراهیم، ملت موسی، ملت عیسی از این دست است. ما کتاب‌های زیادی در تاریخ ملل مختلف و گروه‌های اجتماعی داریم تحت عنوان ملل و نحل. از جمله آنها «ملل و نحل» شهرستانی است. «ملل» در آنجا ناظر به آن گروه‌هایی است که بر مدار یک شاکله الهی شکل گرفته‌اند. «نحله» در قبایل او است؛ یعنی بقیه هم امت‌ها، نحله‌ها هستند اما ملت نیستند.



است با کمتر از یک ماه و سپس مهدوی کتی و مهندس بازرگان و شهید رجایی که از ۲ ماه تا یک سال بر سر کار بودند و مسؤولیت داشتند. تنها ۵ نفر از رؤسای جمهور و یکی از نخست‌وزیران (مهندس موسوی) موفق شدند دوره‌شان را به پایان برسانند و ۸ سال یا نزدیک ۸ سال در مسند باشند.

همین مرور صوری و سریع نشان می‌دهد تاریخ نزدیک به نیم‌قرنه حکمرانی و کارگزاری در جمهوری اسلامی تا چه حد پرفراز و فرود بوده و رویکردها و سیاست‌های بس متنوعی را تجربه کرده است. ایضاً نشان می‌دهد تحلیل‌هایی که تلاش دارند با ساده‌سازی، همه چیز را به حساب نظام و انقلاب و حتی دین بگذارند، تا چه حد غیرواقعی و سوییافته هستند. مقایسه دقیق‌تر این ادوار کارگزاری حقایق باز هم بیشتری از تفاوت‌ها را نمایان می‌کند و نشان می‌دهد این دست‌ها شدن‌ها تا چه حد تأثیرگذار و مساله‌آفرین بوده است.

در تکمیل شواهد برای مدعا و اعجاب آغازین، می‌توان چنین ادامه داد که کمتر نظام سیاسی را می‌شود در عالم پیدا کرد که رئیس دولتش با آن در چالش و واگرایی باشد یا حین انجام مسؤولیت، دچار واگرایی شده باشد و به تقابل ضمنی و آشکار با آن بپردازد. در ایران اما بوده و به فراوانی هم بوده است. از همین رو هم برخی با توسل به یک منطق آماری می‌گویند همین که اکثر رؤسای جمهور با نظام دچار مشکل شده‌اند، خود مؤید آن است که مشکل در آنجا وجود دارد. مشکل دار و مساله‌مند شدن نخست‌وزیران و رؤسای جمهور در ایران، هم واقعیت دارد و هم غلبه و این می‌تواند گویای یک مشکل مزمن و ریشه‌دار باشد. در عین حال باید توجه داشت توسل و اکتفا به بررسی‌های آماری بویژه در خردانه‌های مهمی که «آرا» و «ارادها» در آن دخیلند و تعیین‌کننده، خیلی متعین نیست. ضمن اینکه فراوانی مصادیق احصا شده (N) هنوز خیلی کوچک است. «مساله‌مندی» و پراپلماتیک بودن این پدیده را از این طریق شاید بتوان احراز کرد اما تحلیل آن نیازمند بررسی‌های دقیق موردی است و مستلزم شناسایی و رصد عوامل مؤثره در تکتک آنها و سپس، انجام یک مطالعه کیفی تطبیقی است. در این بین آنچه توجه را به سوی خود جلب می‌کند، استثنائاتی این پدیده غالب است. استثنائنده‌ها از قاعده تنشی بودن روابط رؤسای دولت‌ها با نظام از ۲ حال بیرون نبوده‌اند؛ یک، کوتاه بودن دوره در مصداق شهید رجایی؛ دو، رهبر شدن رئیس‌جمهور در مصداق آیت‌الله خامنه‌ی.

شهید رئیس‌ی هم استثنای سوم‌ی است که هیچ‌یک از این دو ویژگی را نداشت و در عین حال وارد تنش با نظام هم نشده. برای آن هم ۲ دلیل داشت:

۱- عدم احساس ضرورت به مرزبندی‌های گفتمانی درون نظام و با نظام، چرا که رئیس‌ی برای خود، جدا از نظام چیزی قائل نبود.

۲- کوتاه و مغتنم دانستن فرصت، زیرا می‌دید زمان‌های زیادی از دست رفته و زمان زیادی هم باقی نمانده است.

به همین رو سر از با نشناخت و تمام وقت و انرژی خود را صرف خدمت و جبران مافات کرد، به جای صرف وقت و انرژی در مجادلات گفتمانی؛ اولش هم نبود.

عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس

تفاوت شهید رئیس‌ی

آنقدر که موضوع «نظام»، «مشروعیت»، «فراندوم» و «قانون اساسی» در بحث‌های خرد و کلان جامعه ما حضور دارد و مطرح است، در کشورهای دیگر نیست. فرق هم ندارد آن کشور، پیشرفته باشد یا عقب‌مانده، دموکراتیک باشد یا مطلقه، جمهوری باشد یا پادشاهی، بایثبات باشد یا متلاطم.



این بحث‌ها را در کشورهای دیگر جز در محافل آکادمیک یا مراکز تحقیقات راهبردی در جای دیگری نمی‌یابید؛ بویژه در رسانه‌های جمعی و در بین عامه مردم. در فضای مجازی هم خیلی طرح و دنبال نمی‌شود. در ایران اما پای ثابت اکثر بحث‌ها و تفکدهاست و از موضوعات مطرح و مورد توجه نشریات عمومی است و خوراک تحلیل‌های چندخطی رایج در

پیام‌رسان‌ها، جالب است کسی هم از آن تعبج نمی‌کند و طبیعی می‌بینند. از همین سنخ باز هم داریم: در حالی که ما در تحلیل‌های‌مان از اوضاع کشور با سه‌گانه «نقلاب»، «نظام» و «ملت» طرف هستیم و پای هر سه را هم - به تفکیک یا بدون تفکیک - به میان می‌آوریم، در کشورهای دیگر عمده بحث‌ها پیرامون مواضع و عملکرد دولت مستقر است در فصول جبهه‌جایی دولت‌ها هم که بحث‌ها و منازعات سیاسی قدری حادتر می‌شود، در اطراف سیاست‌ها و اولویت‌های احزاب و رقابلی انتخاباتی بحث می‌شود و پای هیچ رکن دیگری با مقولات و موضوعاتی که اشاره کردیم، به میان نمی‌آید. اگر اصل این مدعا را درباره ایران قبول داشته و با کم و زیادش تأیید کنیم، لاجرم باید سراغ این پرسش برویم: چرا قضایا در ایران بدین گونه است یا بدین گونه طرح می‌شود؟ پاسخ‌های متفاوتی به این سوال داده شده و این خود گواه آن است که اصل مدعا ما درباره تفاوت‌های معنادار مسائل ایران و نوع نگاه به آن، خیلی هم بی‌راه نیست. پاسخ‌های داده‌شده به این سوال ضمنی که «چرا چنین است»، در یک احصای کلی از این شمار است:

چون ایران یک «نظام پساانقلابی» است؛ چون «نظام سیاسی ویژه‌ای» را در ایران برپا کرده‌ایم؛ چون نظام سیاسی ایران هنوز «ثبیت» نشده است؛ چون جمهوری اسلامی ایران یک «بویزسیسیون قوی و گسترده» دارد؛ چون یک «جامعه زنده، پویا و پشت سیاسی» داریم؛ چون «مسائل و مشکلات‌مان» بیش از جوامع دیگر است؛ چون جمهوری اسلامی تاکنون، «ریشه‌ای و ساختاری» است؛ چون در آستانه «فروپاشی سیاسی» و وقوع یک «نقلاب» هستیم.

بر همه اینها جز آخری، می‌توان صحنه گذشت و کمابیش آنها را مؤثر دانست اما کفایت ندارند و به نظر می‌رسد پای عامل مهم‌تری در میان است که محرک بقیه هم شده است و می‌شود و آن، «جهت‌گیری‌های نظام» است و همین باعث شده در تمام مسائل ریز و درشت و در هر سطح و حوزه‌ای، پای نظام و به تبع آن، پای انقلاب و حتی دین هم به میان آید و در واقع، «به میان آورند». این مقدمه طولانی را آوردیم تا سراغ نسبت دولت‌های پس از انقلاب با نظام بروم و در مقایسه رؤسای دولت‌های جمهوری اسلامی، روی تفاوت‌های شهید رئیس‌ی با دیگر رؤسای جمهور قری تأکید کنم.

این مقایسه را می‌توان از ۳ حیث انجام داد: «شخصیت»، «عملکرد» و «رویکرد» ایشان. ما در این مجال، روی همین سوم‌ی اِستیم؛ با اینکه تفاوت‌های شایانی، هم در شخصیت و هم در عملکرد دوره کوتاه ریاست جمهوری شهید رئیس‌ی وجود داشته است. جمهوری اسلامی تاکنون، جز دوره کنونی، ۱۲ رئیس دولت را تجربه کرده است؛ ۵ نخست‌وزیر و ۸ رئیس جمهور. کمترین طول دوره ریاست‌جمهوری به ترتیب متعلق به شهید رجایی بوده است با کمتر از یک ماه؛ پس از او بنی‌صدر با ۱۷ ماه و سپس شهید رئیس‌ی با کمتر از ۳ سال. کوتاه‌ترین دوره نخست‌وزیری هم با شهید باهنر بوده

الگوی جدید برای آینده ریاست جمهوری

اجازه دهید بحث حکمرانی اجتماعی شهید رئیس‌ی را از گفتمان دولت سیزدهم آغاز کنم. گفتمان به معنای دیسکورس فوکویی‌اش اینجا منظور نیست؛ گفتمان به این معنا که آن چارچوبی که به حرکت دولت جهت می‌دهد، آن چارچوبی که وضعیت مطلوب دولت را مشخص می‌کند، چیست که یک نقشه راهی می‌شود برای دولتمردان، می‌توان قول و فعل کارگزاران و دولتمردان را با آن ارزیابی کرد و شاخصی در دست مردم می‌شود تا ببینند دولت چقدر صادق الوعد بوده است. گفتمانی که در دولت سیزدهم مطرح شد، گفتمان عدالت و جمهوریت بود. شهید رئیس‌ی در برخی سخنرانی‌های خود، بویژه در جلسه‌ای که با اصحاب رسانه داشت، این گفتمان را ارائه کرد. شعار خود دولت را هم «دولت مردمی، ایران قوی» قرار داد. من می‌خواهم حکمرانی اجتماعی را که شاخص‌های متعددی دارد، بررسی کنم. شاید بشود گفت مهم‌ترین شاخص حکمرانی اجتماعی، عدالت اجتماعی است و یکی هم مردم‌محوری. همچنین شاخص‌های دیگری مثل شفافیت و پاسخگویی وجود دارد. من این مفاهیم را در ۴ واژه جمهوریت و عدالت تحلیل می‌کنم. در دولت سیزدهم، منظور از جمهوریت همان مردم‌محوری است. منتهای توضیح دارد که مردم‌محوری به چه معناست. نظام اسلامی ما یک نظام مردم‌محور است اما این، یک مفهوم تشکیکی است و ساخت‌های متفاوتی را شامل می‌شود که باید به آن توجه کنیم. کف بحث این است که مردم دولت را انتخاب کنند، مردم دولتمردان را انتخاب کنند و اساساً



این رویکرد نشان‌دهنده توجه ایشان به مسائل اقتصادی و معیشتی مردم بود. ایشان بخوبی می‌دانست احیای واحدهای تولیدی نه‌تنها به اشتغال کمک می‌کند، بلکه به بهبود وضعیت معیشتی مردم نیز می‌انجامد. این دغدغه‌ها و اقدامات، نمایانگر تعهد ایشان به خدمت به مردم و حل مشکلات آنها بود.

در واقع شهید رئیس‌ی با این اقدامات، سعی کرد نشان دهد دولت باید در خدمت مردم باشد و حل مسائل آنها بپردازد. این رویکرد، هم در ساخت اقتصادی و هم در ساخت اجتماعی، اهمیت زیادی دارد و می‌تواند الگویی برای دیگر دولتمردان باشد. شهید رئیس‌ی روی دولت را که در جمهوری اسلامی داشت به انحراف کشیده می‌شد، به مسیر اصلی بازگرداند. در دولت‌های قبلی بویژه دولت‌های یازدهم و دوازدهم، دولتمردانی بودند که ما احساس می‌کردیم اینها از جنس مردم نیستند و آنها را نمی‌شناسیم. وقتی اینها را با فرمانیشت امام مقایسه می‌کردیم، تعجب‌برانگیز بود. خانه‌ها و سبک زندگی‌ها و بستگان آنها سوال‌برانگیز بود. انگار مردم و مستضعفان داشتند به مرور طرد می‌شدند. به نظرم بزرگ‌ترین ثمره حضور شهید رئیس‌ی در مقام ریاست‌جمهوری این بود که این ریل منحرف را به جای خودش برگرداند و با تزریق یک بدنه جدید، یک بدنه جوان، این تغییر را ایجاد کرد. ما در دولت شصتد و خورده‌ها مقام داشتیم و بیش از ۴۰۰ مقام از همین جوان‌ها بودند؛ کسانی که بار اول‌شان بود برای رئیس‌جمهور کار می‌کردند و این ریسک بزرگی بود که ایشان انجام داد. یک دفعه ۵۰ درصد نیروی جدید تزریق کرد. امیدوارم خدا توفیق بدهد به همه ما تا بتوانیم شخصیت شهید رئیس‌ی را تبیین کنیم.

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

شخصی ایشان و چه رویکردی که ایشان به دولت خودش دارد. جهت‌دهی‌ای که در دولت اتفاق می‌افتد، خیلی نقش مهمی دارد. شهید رئیس‌ی یک پارادایم جدیدی در ریاست‌جمهوری بنا نهاد. یعنی بعد از حذف نخست‌وزیری که تمام قدرت به رئیس‌جمهور بازگشت، یک پارادایم جدید شکل گرفت. یکی از معانی پارادایم، یک مثال یا یک الگو است که جهت‌دهی می‌کند. در واقع شهید رئیس‌ی در ریاست‌جمهوری کاری کرده یا مسیری را باز کرده که بعد از ایشان هر رئیس‌جمهوری، کارش مشکل است. این رویکرد و تغییرات در نحوه حکمرانی و ارتباط با مردم، به نوعی الگوی جدید برای آینده ریاست‌جمهوری ایران می‌شود. چند نمونه ذکر می‌کنم که از هر ساخت ببینیم شهید رئیس‌ی چه دغدغه‌هایی داشت و چه مسائلی برای ایشان مهم بود.

ایشان در ۳ سال حدود ۱۰ هزار واحد تولیدی را که خاک می‌خوردند احیا کردند و ۲۲۵ هزار نفر به شغل بازگشتند. این یکی از اقدامات ویژه ایشان بود. چه زمانی که در قوه بودند و چه زمانی که در آستان بودند، همیشه بر این نکته تأکید داشتند که مراکز تولیدی، جایی که نان مردم به آن گره خورده، نباید تعطیل شود. بیش از ۲ میلیون مجوز کسب و کار صادر شد. آغاز به ساخت ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار واحد مسکونی رخ داد. ۴۸ سفر استانی رفتند و بیش از ۲ هزار سفر داخلی داشتند. در برنامه پنجم بنا بود ۲۵ درصد اقتصاد ما از طریق تعاونی‌ها شکل گیرد. شهید رئیس‌ی صد تعاون را در ۱۱ سال خاک می‌خورد، بازنویسی و نهایی کرد. در این دوره تعاونی‌ها ۱۴ درصد در حوزه صادرات پیشرفت کردند. در اینجا شما مردم را متکفل می‌کنید. همه مردم باید با نظام اسلامی یک نسبتی داشته باشند.

مردم به قانون اساسی رأی دهند. یک مرتبه بالاتر، آن موقعی است که مشکلات مردم اولویت یک دولت می‌شود. دولت‌ها می‌توانند افاق‌های متعددی را پیش روی خودشان ترسیم کنند ولی یک دولتی تمام تمرکز خودش را بر مشکلات مردم قرار می‌دهد؛ حالا مشکلاتی که مردم به طور روزمره با آن درگیرند یا مشکلاتی که بعدها برای مردم مساله ایجاد می‌کند. مرحله سوم که در فرمایشات رهبر انقلاب هم زیاد مطرح می‌شود، این است که مردم خودشان این مسائل را حل کنند. یعنی تصدی‌گری با مردم باشد. به تعبیری مردم گاهی وقت‌ها ابژه شما هستند. یعنی شما قرار است مسائل مردم را حل کنید. گاهی مردم تبدیل به سوژه می‌شوند، یعنی خودشان قرار است مسائل را حل کنند و نظارت و مداخله کنند. باید ببینیم دولتمرد وظیفه خود می‌داند مردم را درگیر کند یا نه. دولت سیزدهم چه نسبتی با مسائل مردم و مداخله مردم پیدا می‌کند. شهید رئیس‌ی در تلاش بود مردم را در مرکز تصمیم‌گیری‌ها و حل مسائل قرار دهد و این یک ویژگی بارز در گفتمان حکمرانی ایشان بود.

نگاه به مردم اساس حکومت اسلامی است. «إِنَّمَا عِمَادُ الدِّینِ وَ جَمَاعُ الْمُسْلِمِینَ وَ الْعِدَّةُ لِأَعْدَاءِ الْعِمَامَةِ مِنَ الْأُمَّةِ» یک تعبیر لطیف از علامه جوادی در شرح این روایت شریف است. ایشان می‌فرماید همان‌طور که در حیث قفقهانه نماز عمود دین است، واحد مباحث اجتماعی و فرهنگی، مردم عمود دینند. یعنی کارگزار باید رضایت مردم را مدنظر داشته باشد. قرار نیست مردم نفهمند و ما برای‌شان تعیین تکلیف کنیم، بلکه وظیفه آن است بستری فراهم شود که اولاً مسائل مردم حل شود و ثانیاً تا جایی که ممکن است، به دست خود مردم حل شود.

ما این رویکرد را در شهید رئیس‌ی به طور واضح می‌بینیم. حالا چه منش

تصویر رسانه‌ای شهید رئیس‌ی

حضور شهید رئیس‌ی در رسانه‌هاست. نمایش رسانه‌ای با عناوینی که این روزها بیشتر استفاده می‌شود تحت عنوان «نشان رسانه‌ای» و امثالهم موضوعی است که می‌خواهم به آن بپردازم. در ادبیات علمی برای سیاستمداران ویژگی‌های رسانه‌ای می‌شمارند، مثلاً داشتن هوش هیجانی و مهارت‌های ارتباطی مؤثر. برخلاف آنچه در این سال‌ها رسانه‌های رقیب سعی کردند از شهید رئیس‌ی تصویر کنند، ایشان با توجه به سیاست تقوایی که داشت و باورهایی که به اصول انقلاب اسلامی داشت، به‌رغم تصاویری که ساخته می‌شود، انسان بسیار متبحری در نمایش رسانه‌ای هم بود.

در واقع، شهید رئیس‌ی توانست با هوش و مهارت‌های ارتباطی خود، تصویر مثبتی از خود در رسانه‌ها ایجاد کند و به نوعی با چالش‌های رسانه‌ای مقابله کند. این ویژگی‌ها به او کمک کرد در فضای سیاسی و رسانه‌ای، تأثیرگذار باشد و گفتمان خود را بخوبی منتقل کند. هر چند رسانه‌های رقیب سعی کردند با کلیشه «ناهار دادن» یا حرف‌هایی از این دست، به نوعی شهید رئیس‌ی را تخریب کنند اما عملاً به عکس خودش تبدیل شد. یعنی این نوع بیان درباره شخصیت شهید رئیس‌ی، مردمی بودن و رابطه مستقیم با مردم را بیشتر منتقل کرد، برخلاف خواسته رسانه‌های رقیب که سعی می‌کردند با چنین چیزهایی ایشان را تخریب کنند.

در اینجا باید تغییر گفتمان رسانه‌ای را مد نظر قرار دهیم. بعد از دوره شهید رئیس‌ی، آنچه درباره رئیس‌جمهور بعدی هم می‌بینیم، به نوعی الهام گرفته از برخورد شهید

شهید رئیس‌ی در تمام طول عمر خود سعی کرد شاگرد مکتب امام خمینی باشد به تعبیری، سیاستی که شهید رئیس‌ی پیگیری می‌کرد، سیاست تقوا و زهد بود. ساده‌زیستی و زندگی ساده داشت، مخصوصاً بعد از یک دوره ریاست‌جمهوری ۸ ساله خاص، یک ارزش محسوب می‌شود و به نوعی بازگشت به آرمان‌های امام است. زندگی ساده و دوری از تشریفات به نظر من یک برجستگی خاص محسوب می‌شود.



شهید رئیس‌ی از ریاکاری و سیاست‌بازی‌های مرسوم که در جناح‌های مختلف وجود دارد، دور بود. شاید بهترین نشانه این موضوع در ادامه دولتش مشخص شود. جدا از اینکه انتخابات ریاست‌جمهوری در یک وضعیت تراژیک برگزار شد و مردم هنوز در فضای شهادت آیت‌الله رئیس‌ی بودند، دولت بعدی، ولو اینکه به لحاظ سیاسی با دولت شهید رئیس‌ی متفاوت باشد، نمی‌توانست خیلی از آن چهره و گفتمان و نمایشی که از سیاست رسانه‌ای و گفتمانی دولت سیزدهم وجود داشت، عدول کند.

حتی انتخاب عنوان «وفاق» هم نشان‌دهنده الهام و تداوم شهید رئیس‌ی است و چه بسا این روند ادامه هم باید. در هر صورت، آن تندروی‌های گذشته امکان‌پذیر نیست که بخواهد بعد از شهید رئیس‌ی ادامه یابد. حالا چیزی که می‌خواهم به آن بپردازم،

سیاستمداران مطرح است. شهید رئیس‌ی در زمینه توانایی تشخیص و مدیریت هیجانات مخاطبان و خودشان، کنترل خوبی داشت. این موضوع را بویژه در مناظره‌های ریاست‌جمهوری می‌توانیم ببینیم. برخلاف ایجاد احساسات هیجانی توسط برخی کل‌دیبا‌ها در انتخابات‌های سال‌های ۹۶ و ۱۴۰۰، تمرکز شهید رئیس‌ی روی خودش نشان می‌داد چگونه می‌تواند خشم و اضطراب خود را کنترل کند. در انتخابات ۱۴۰۰، ما یکی از بهترین فرازهای سخنرانی‌های ایشان را مشاهده کردیم که در پاسخ به تخریب‌های ناجوانمردانه رقبا بود. این نشان‌دهنده توانایی ایشان در مدیریت هیجانات و ارتباط مؤثر با مردم است.

در مجموع، من هم فکر می‌کنم برخلاف آنچه گفته می‌شد، شهید رئیس‌ی چهره رسانه‌ای بسیار مثبتی بود. بر عکس برخی روایات جمهوری که نتوانستند خودشان را ادامه دهند، شهید رئیس‌ی این تداوم را حفظ کرد. تصویری که بعد از شهادت ایشان شکل گرفت و جمعیت بسیار غلظیمی که در تشییع پیکر ایشان در شهرهای مختلف حضور داشتند، این تصویر را در واقع تداوم بخشید.

امیدوارم با سیاستی که دولتمردان رهیبره باشیم که خود را جدا از نظام ندانند و بین نظام و مردم فاصله ایجاد نکنند. وقتی فاصله بین هیأت و مردم کاهش می‌یابد که گفتمان‌ها حامی اصول انقلاب اسلامی باشند.

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران